

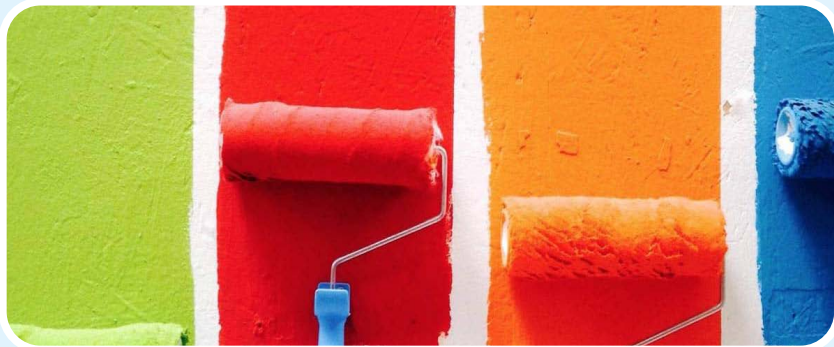
## دشمن وعده بی‌تضمین می‌دهد

هستیم؟! این‌ها یا وعده نمی‌دهند یا اگر بدهند، صریحاً می‌گویند ما تضمین نمی‌دهیم. ببینید پُرویی تا کجاست. تا چقدر بی‌حیایی که می‌گوید ما قبول هم نکنیم، تضمین نمی‌دهیم که سر این وعده خود بمانیم. با این وقاحت! آن‌وقت ما در برابر این‌ها عقب‌نشینی کنیم؟

اگر یک نیروی انقلابی دانشمند پیدا شد که عقب‌نشینی نکرد، می‌گویند: «او برجام را حل نکرد!» می‌خواستید چه را حل کند؟ یعنی برود بگوید: «تحریم‌ها را لغو کنید، ما برمی‌گردیم دوباره همه کارها را انجام می‌دهیم و مسئله فناوری هسته‌ای خود را کنار می‌گذاریم و تسلیم شما







و عیوب بدن را می‌پوشاند، تقوا لباسی است که عیوب باطن ما را می‌پوشاند؛ چون ما در داخل وجود خودمان و در باطن وجودمان یک سلسله روحیات فاسد، اخلاق‌های ناجور، سوءسریره و شهوت‌های طغیانگر داریم که هرکدام این‌ها اقتضای عملی را دارد.

۱. نک: سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۶۹.

## تقوا جلوی اعمال فاسد را می‌گیرد

قیامت، ظهور بدی‌های ماست. آدم گنهکار در عرصه محشر به جایی می‌رسد که می‌گوید: «خدا یا، هر جور می‌خواهی، مرا عذاب کن؛ اما آبرویم را نبر.» چون عرصه محشر عرصه‌ای است که همه چیز ظاهر می‌شود و آنجا انسان را که پای حساب می‌آورد، دیگر همه بدی‌های افراد را به ظهور می‌آورند. آدم‌ها در مقابل چشم دیگران، در مقابل نگاه دوستان و اقوام و مردمی که به او علاقه داشتند، می‌بیند از همه عذاب‌های خدا بدتر، بی‌آروشدن است.

امیرالمؤمنین(ع) در مناجات شعبانیه به درگاه خدا عرض می‌کند: «إلهی قد سترت علی ذنوبی فی الدنیا و أنا أحوج إلی سترها علی منک فی الآخرة.»<sup>۲</sup> خدا یا، در دنیا عیب‌های من را پوشاندی و نگذاشتی کسی ببیند. در دنیا من را بی‌آبرو نکردی، با اینکه بد بودم. پروردگارا، تو آبرویم را حفظ کردی. احتیاج من در صحرای محشر به این آبرو بیشتر از دنیاست. در دنیا اگر آبرویم را می‌بردی و پرده را کنار می‌زدی و مردم از گناهام باخبر می‌شدند، افراد کمتری بودند؛ اما در صحرای محشر، تمام اجداد من و پدران و نیاکان من از خرابی من باخبر می‌شوند.

در دنیا حتی نگذاشتی خیلی از بندگان که مقرب درگاه تو بودند، بفهمند من بنده بد و گنهکار تو هستم. چطور در آخرت می‌خواهی آبروی من را ببری؟ بدترین چیز در آخرت ظهور عیوب باطنی انسان است و

بخواهد عمل خلافی را به‌خاطر آن اخلاق فاسد انجام دهد، تقوای عملی نمی‌گذارد آن عمل خلاف را که مقتضای جریانی فاسد در باطن او و مقتضای یک اخلاق فاسد است، انجام دهد. وقتی شهوت و غریزه در انسان طغیان می‌کند، انسان دیگر هیچ چیز حالی‌اش نیست. حتی عواطف هم نمی‌تواند در مقابل طغیان غریزه، جلوی انسان را بگیرد. تنها چیزی که جلوی انسان را در برابر سرکشی غرایز می‌گیرد و نمی‌گذارد طغیان غریزه موجب جنایت و تجاوز و فساد بشود، تقوای عملی است؛ لذا خدا تقوای عملی را لباس معرفی می‌کند. همان طور که لباس ناموزونی بدن را می‌پوشاند، تقوای عملی هم جلوی اعمال و کرداری را که زشتی من را برملا می‌کند، می‌گیرد.

مولا امیرالمؤمنین(ع) حدیثی دارند: «فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِّ وَالْجَنَّةِ وَفِي غَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ.»<sup>۱</sup> تقوا در دنیای ما، حرز و حفاظ است. این جلوی فساد ما را می‌گیرد و مثل سپر و زرهی که بدن را نگه می‌دارد، جان ما را از اعمال فاسد و عیوب و ظهور عیوب حفظ می‌کند. «فِي الْيَوْمِ الْحَرِّ وَالْجَنَّةِ»: تقوا در امروز ما حکم یک زره را دارد که حرز است و حکم یک سپر را دارد که در مقابل مفسد عملی بر اثر فساد باطن می‌ایستد؛ اما «وَفِي غَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ»: و در فردای قیامت، تقوا راهی به‌سوی بهشت است. تمام مصائب ما در صحرای محشر و



وقتی سوءسریره من مرا وادار به کار بد می‌کند، آن زشتی سریره‌ام ظاهر می‌شود. یا وقتی غریزه طغیانگر من مرا به تجاوز و طغیان وادار می‌کند کراهت و زشتی باطنم ظاهر می‌شود. وقتی حسادت دارم و با حسادتم می‌خواهم کار خلافی انجام دهم، این کار خلاف، از آن اخلاق فاسد من حکایت می‌کند و آن اخلاق فاسدم را نشان می‌دهد. تقوا خصوصیتی است که جلوی این اعمال را می‌گیرد.

خاصیت تقوا این است که گرایش‌های باطنی ما و اقتضائات ذاتی و باطنی‌مان به‌هیچ‌وجه در اعمال ما ظاهر نشوند. این خاصیت تقواست. من با سوءسریره‌ام کارهای خلاف انجام می‌دهم. تقوای عملی می‌آید جلوی خلاف‌کاری‌ام را می‌گیرد. تقوای عملی آن است که جلوی آزادی غریزه، جلوی سوءسریره و جلوی اقتضائات اخلاق فاسد من را می‌گیرد و مانع می‌شود.

کسی که تقوای عملی دارد، دیگر شهواتش آزاد نیست. آن سوءسریره و باطنش در عمل او ظهور پیدا نمی‌کند. هروقت

و خصصتنا بهذه النعمة فصل علی مولانا و سیدنا صاحب الزمان و اجعلنا من أنصاره و أعوانه والذابین عنه والمستشعدين بين يديه طائعين غير مكرهين في الصف الذي نعت أهلہ فی کتابک كأنهم بنیان مرصوص علی طاعتک و طاعة رسولک و آله علیهم السلام. اللهم هذه بیعة له فی اعناقنا الی یوم القیامة. عباد الله، اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله. همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

البشر من الضلالة والعمی. اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جميع المؤمنين و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برّها و بحرّها حیّهم و میّتهم و عثّا و عن والدینا من الصلوات و التحیات زنة عرش الله و مداد کلماته و منتهی رضاه و عدد ما أحصاه کتابه و أحاط به علمه. اللهم إنا نجدد له فی هذا الیوم و فی کل یوم عهداً و عقداً و بیعة له فی رقابنا. اللهم کما شرفتنا بهذا التشریف و فضّلتنا بهذه الفضیلة



الحمد لله المتفرد بالکبریا و أشهد أنه المتوحد بتدبیر الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الکملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبیاء و أشهد أن أمير المؤمنين علی ابن أبی طالب و أولاده المعصومین هم المحجة البیضاء و منقذ

## تقوای عملی شبیه لباس است

این است که زشتی‌های بدن و ناموزونی‌های جسم شما را می‌پوشاند. عمده اهمیت لباس در این است که انسان‌ها در اندام خودشان دچار ناموزونی‌هایی هستند. حتی انسان بالفطره نمی‌خواهد بعضی از قسمت‌های بدنش عیان و عریان باشد. خصوصیت لباس این است که زشتی‌های بدن را می‌پوشاند و انسان با پوشش لباس، شخصیت فاخری پیدا می‌کند.

لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكْ حَيِّزٌ ذَلِكْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ» معمولاً خصوصیت لباس این است که انسان را از عوارض سرما و گرما حفظ می‌کند؛ اما در این آیه شریفه به این خصوصیت لباس اشاره نشده است. خداوند این خصوصیت را در این آیه بیان می‌کند: «قَدْ أُنْزِلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا» ای فرزندان آدم، خدا برای شما لباسی قرار داد که «يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ». خصوصیات این لباس



کلام ما در خطبه اول درباره تقوای عملی بود. پروردگار در قرآن کریم تقوای عملی را لباس تقوا معرفی می‌کند. در سوره مبارکه اعراف آیه ۲۶ می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا وَ

## لباس تقوا ما را زیبا نشان می‌دهد

خداوند در این آیه، لباس را به پرندگان تشبیه کرده است. همان طور که پرندگان زشتی‌های اندام آن‌ها را می‌پوشاند، این لباس هم بدی‌ها و زشتی‌های شما را می‌پوشاند و شما را زیبا نشان می‌دهد. در بین پرندگان، زیباترین پرنده طاووس است. اگر پرهایی طاووس را بکنند، چه قیافه زشت و کریهه دارد؟ تمام زیبایی طاووس به پرهایی رنگارنگ اوست. خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید همان طور که خدا پر پرنده را وسیله پوشش ناموزونی اندام او قرار داد، لباس را هم برای شما وسیله قرار داد برای زیبایی جسمتان و برای اینکه اندام شما هم در پوشش کامل و



تقوا نیست. خدا که می‌گوید: «وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكْ حَيِّزٌ» مقصود از لباس تقوا این است که خود تقوا لباس و پوشش است و خداوند متعال همان طور که به‌وسیله پر پرندگان و لباس ظاهری ما ناموزونی جسم

سالمی قرار بگیرد: «يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَ رِيشًا». بعد می‌گوید: «وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكْ حَيِّزٌ»: لباس تقوا بهتر است. برخی مفسران درباره «لِبَاسُ التَّقْوَى» گفته‌اند: «تقوا صفت لباس است؛ یعنی لباسی که برای تقوا باشد.» این را خدا می‌گوید: «وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكْ حَيِّزٌ» مثل حجاب زنان که لباسشان لباس تقواست و جلوی گناه آن‌ها را می‌گیرد. مثل لباس جنگ برای رزمندگان برای جهاد در راه دین. این لباس لباسی تقواست. برخی گفته‌اند تقوا صفت لباس است؛ ولی مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر شریف المیزان<sup>۱</sup> می‌گویند این معنای لباس





خداشناس هستید، یا ما برحق هستیم یا شما برحقید. خب بیایید مقابل هم بایستیم و در درگاه خدا درخواست کنیم که اگر طرف مقابل ما برحق نیست، خدا بر او عذاب نازل کند. شما از خدا بخواهید خدا بر ما عذاب نازل کند و ما هم از خدا می‌خواهیم که خدا بر شما عذاب نازل کند. طبیعی است که هرکدام مستجاب‌الدعوه باشیم، عذاب بر طرف مقابل نازل می‌شود و حقانیت به این وسیله ثابت می‌شود.»



مقابل پیغمبر یک رهبر و خلیفه دیگری تعیین کند؟ آیه قرآن می‌گوید علی نفّس پیغمبر است. خب اگر علی خود پیغمبر است، در مقابل خود پیغمبر، تعیین رهبر دیگر معنا ندارد. ....  
آل عمران، ۶۱.

## «علی(ع) خود پیامبر(ص) است

پیغمبر است. می‌گوییم: «نه، این آیه صراحت دارد بر اینکه این‌ها پسر پیغمبرند؛ چون وقتی می‌گوید: نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ، پیغمبر همین دو پسر را به‌عنوان پسر خودش آورد.»  
«وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ»: پیغمبر صدیقه اطهر(س) را آوردند. «وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ»: خودمان بیاییم. خودمان یعنی چه کسی؟ یعنی من و علی. علی خود من است. علی جنس من است. علی وابسته به من است. وقتی می‌گوید: «خودمان بیاییم» امیرالمؤمنین (ع) را به‌عنوان نفس خودش می‌آورد. این نشان می‌دهد علی(ع) خود پیغمبر(ص) است. این عین قضیه غدیر است. اگر خداوند متعال به پیغمبر(ص) عمر می‌داد، آیا کسی می‌آمد در

«خداوند به پیامبر(ص) خطاب کرد: ... فَقُلْ تَعَالُوا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (پیغمبر، به این‌ها بگو: «بیایید ما پسرانمان را می‌گوییم، شما هم پسرانتان را بیاورید. ما خودمان می‌آییم، شما هم خودتان بیایید.») برحسب این تحدی، پیغمبر برای پسران دو نفر را انتخاب کرد: امام حسن(ع) و امام حسین(ع). لذا این آیه دلالت صریح دارد که ائمه(ع) فرزندان رسول الله هستند. ما که می‌گوییم: «السلام علیک یا بن رسول الله» بعضی از عامه ایراد می‌گیرند که این‌ها پسران امیرالمؤمنین(ع) و حضرت زهرا(س) هستند و نسبت آن‌ها به پیغمبر(ص) از طریق دختر

## «انصراف نصارا از مباهله

ورزیدند. گفتند: «ما جزیه می‌دهیم؛ اما از آیین خودمان دست برنمی‌داریم و مباهله هم نمی‌کنیم.»<sup>۱</sup> ما مسلمان‌ها این مشکل را در طول تاریخ با همه کفار داشته‌ایم: هروقت با این‌ها پای مذاکره نشسته‌ایم، آخرش همین شده است. ....  
۱. نک: شیخ عباس قمی، منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۸۲ تا ۱۸۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۶۶ تا ۱۷۱.

ایستادند. آن طرف هم نصاری نجران ایستادند. بزرگ نصاری نجران به آن‌ها گفت: «من چهره‌هایی را در برابر خدا می‌بینم که اگر اراده کنند، زمین تمام اهلش را فرومی‌برد. با این‌ها نمی‌توانیم مباهله کنیم.» اعلام کرد: «ما جزیه می‌دهیم؛ اما مباهله نمی‌کنیم.» وقتی چشمشان به پنج تن افتاد و شخصیت با عظمت و برحق پیغمبر و اهل بیت پیغمبر(ص) را دیدند، در عین حال لجاجت



«این‌ها وقتی آمدند، زیر سایه‌بانی



جلوی دیگران می‌رود. خدا یا، به عزت اولیائت قسمت می‌دهیم آبروی ما را همچنان که در دنیا حفظ کردی، در آخرت حفظ بفرما. پروردگارا، نقطه کمال عبودیت ما، فرج و ظهور مولایمان بقیه الله، را تعجیل بفرما. ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از همه برکات اعمال ما در این ایام بهره‌مند بگردان. سایه پربرکت رهبر معظم انقلاب را بر سر ما مستدام بدار.

دشمنان ناپاک ما در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار را ذلیل و نابود و ریشه‌کن بگردان. ....  
۱. نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، خطبه ۱۹۱.  
۲. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص ۱۵۷.

داشت، آن دیگر گناه نیست و در حسابش نمی‌آید و روز قیامت هم دیگر اثری از آن نیست. اما اگر این خرابی‌ها و مفساد باطنی ما به مرحله عمل درآمد، این را پای ما حساب می‌کنند و آنجا هم پرده برمی‌دارند و آبروی ما

تقوای عملی چیزی است که جلوی آن‌ها را می‌گیرد. هم در دنیا و هم در آخرت انسان را حفظ می‌کند. چون وقتی گناه نکرد، از باطنش هر تقاضایی بود، هر فکر و خواسته‌ای بود، هر فکر معصیتی که در مغزش جولان

### «خطبه دوم

عباد الله، اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله. همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

## «مباهله؛ غدیر دوم است

می‌دانید؟!»  
پیغمبر اکرم(ص) به این‌ها فرمودند: «شما کافرید؛ چون شما عیسی را پسر خدا معرفی می‌کنید. خدای پسر دار خدای یکتا نیست و شما در اصل توحیدتان مسئله دارید.» سر همین قضیه، مسیحیان نجران شروع به بحث با پیغمبر(ص) کردند که: «پس عیسی پسر کیست، اگر پسر خدا نیست؟ عیسی که پدر نداشت؛ پس مولود خود پروردگار است.» این‌ها ادله‌ای می‌آوردند و پیغمبر(ص) ادله آن‌ها را رد می‌کردند. با وجود اینکه جوابشان داده می‌شد، روی آن عقیده فاسد خودشان اصرار داشتند.  
آخراً امر آن‌ها به پیغمبر(ص) یا پیغمبر(ص) به آن‌ها پیشنهاد مباهله کردند. گفتند: «اگر شما واقعاً خدا را قبول دارید و

جریان مباهله به این صورت بود که نصاری نجران عالیم‌ترین و برجسته‌ترین مسیحیان شبه جزیره عربستان بودند. بعد از فتح یمن، این‌ها اسلام بیاوردند. طبق قانون اسلام، باید جزیه می‌دادند یا مسلمان می‌شدند. چون اهل کتاب بودند و مشرک نبودند، این‌ها را نمی‌کشتند؛ لذا باید جزیه می‌دادند. این‌ها عده‌ای از بزرگان‌شان را انتخاب کردند و از یمن به خدمت پیامبر(ص) در مدینه فرستادند که: «جزیه گرفتن شما از ما معنا ندارد. ما خدا را قبول داریم. پیغمبر خدا، عیسی، را هم قبول داریم. چرا و به چه مناسبت جزیه بدهیم؟ حالا شما بر فرض اینکه می‌گویید پیامبر دیگری هم آمده است، ما این پیامبر دیگر را قبول نداریم. با اینکه ما خدا را قبول داریم، چطور از ما به‌عنوان کافر جزیه می‌گیرید و ما را کافر



«پس فردا روز مبارک مباهله است. اهمیت روز مباهله از نظر ولایت‌مداری و ولایت‌شناسی شاید به اندازه غدیر باشد؛ لذا خیلی از بزرگان روز مباهله را غدیر ثانی نام‌گذاری کرده‌اند؛ یعنی در واقع در هجدهم ماه ذی‌الحجه یک غدیر داریم، در بیست و چهارم ماه ذی‌الحجه هم یک غدیر داریم. همان طور که در روز هجدهم پیغمبر اکرم(ص) مولا(ع) را امام و ولی بعد از خودشان معرفی کردند، در بیست و چهارم هم در جریان مباهله پیغمبر اکرم(ص) امیرالمؤمنین(ع) را جان خودشان معرفی کردند.





و مسلمین را با ظهور و فرج مولایمان بقیة الله تعجیل بفرما.

ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار را از پایداری مردم ما در پای ستون خیمه این نظام خشنود کن.

دشمنان ناپاک مادر جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار را ذلیل و نابود و ریشه کن بفرما.

سایه پربرکت رهبر معظم انقلاب را بر سر ماستدام بدار.

## دشمن وعده بی‌تضمین می‌دهد

عزیزان، ما به خدایی عقیده داریم که از چهره پیغمبر اکرم(ص) و از قیافه نورانی امیرالمؤمنین(ع) و صدیقه اطهر(ص) و امام حسن و امام حسین(ع) ترس در دل نصاری نجران انداخت. آن‌ها در این چهره‌ها قدرتی را دیدند که همه کره زمین را می‌توانند زیرورو کنند. خدای ما همان خداست. راه ما هم راه همان‌هاست. ما مسیر همان اهل بیت(ع) را می‌رویم. خدای ما هم خدای همان‌هاست. این خدا را باور داریم. این خدا کمک می‌کند و مشکلات را حل می‌کند، قبل از اینکه ما بخواهیم در مقابل کفار تسلیم بشویم و عقب‌نشینی کنیم.

خدایا، به عزت اولیائت(ع)، عزت اسلام

اگر یک نیروی انقلابی دانشمند پیدا شد که عقب‌نشینی نکرد، می‌گویند: «او برجام را حل نکرد!» می‌خواستید چه را حل کند؟ یعنی برود بگوید: «تحریم‌ها را لغو کنید، ما برمی‌گردیم دوباره همه کارها را انجام می‌دهیم و مسئله فناوری هسته‌ای خود را کنار می‌گذاریم و تسلیم شما هستیم»؟! این‌ها یا وعده نمی‌دهند یا اگر بدهند، صریحاً می‌گویند ما تضمین نمی‌دهیم. ببینید پُروبی تا کجاست. تا چقدر بی‌حیایی که می‌گوید ما قبول هم نکنیم، تضمین نمی‌دهیم که سر این وعده خود بمانیم. با این وقاحت! آن‌وقت مادر برابر این‌ها عقب‌نشینی کنیم؟ چون عقب‌نشینی نکردیم، برجام حل نشده؟! اگر عقب‌نشینی می‌کردیم، برجام حل شده بود؟!



در مذاکرات اخیر آمریکایی‌ها بر سر موضع عناد آمیز خودشان محکم ایستادند، یک قدم جلو نیامدند. در مقام وعده می‌گویند بله ما تحریم‌ها را برمی‌داریم، برنداشتند و برهم نمی‌دارند... یک بار توافق‌ها را نقض کردند و کاملاً برایشان بی‌هزینه، نقض کردند و الان هم گفته میشود که شما بایستی تضمین بدهید که نقض نمی‌کنید، می‌گویند نه ما تضمین نمی‌دهیم.

پافشاری آمریکایی‌ها بر مواضع عناد آمیز خود در مذاکرات اخیر  
**وعده می‌دهند تحریم را برمی‌داریم  
برنداشتند و برهم نمی‌دارند**

۱۴۰۰/۵/۶

KHAMENEI.IR

بیانات رهبر انقلاب در آخرین دیدار  
رئیس جمهور و هیئت دولت دوازدهم

## برجام، مصداق نرمش ذیلانه



خوش بین نیستیم؛ اما مخالفت هم ندارم (رهبر معظم انقلاب، ۱ فروردین ۱۳۹۲).

من امسال روز اول سال ۱۳۹۲ در مشهد در جوار مرقد ثامن الحجج(ع) اعلام کردم، گفتم من حرفی ندارم. بعضی از مسئولین و دولت‌مردان، دولت‌مردان آن دولت، بعد هم دولت‌مردان این دولت، فکر می‌کنند در قضیه هسته‌ای، ما با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم [تا] موضوع حل بشود. گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید؛ ولی در همان سخنرانی اول امسال گفتم من خوش بین نیستیم. مخالفتی نمی‌کنم؛ اما خوش بین نیستیم (رهبر معظم انقلاب، ۲۸ بهمن ۱۳۹۲).

۲. ما مخالف حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد: «نرمش قهرمانانه». نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است، عیبی ندارد (رهبر معظم انقلاب، ۲۶ شهریور ۱۳۹۲).

تحریم‌ها لغو بشود. آیا شد؟ قرار بود هم چرخ سانتریفیوژها بچرخد و هم چرخ کارخانه‌ها. این قرار اولیه بود. قرار بود چنان رونق اقتصادی‌ای در نتیجه برجام به وجود بیاید که هیچ فردی به یارانه احتیاج نداشته باشد. قرار بود مشکلات مسکن و اشتغال و ازدواج حل بشود. همه این‌ها قرار بود؛ اما الان هفت سال از امضای برجام می‌گذرد و هیچ کدام از این وعده‌ها که محقق نشده است بماند، بر این‌ها خیلی مشکلات دیگر هم اضافه شده است. کفار همین هستند.

۱. مسئولین بلندپایه و مسئولین میانی آمریکا بارها و بارها می‌گویند بیایید در کنار گفت‌وگوهای ۵+۱ که درباره مسائل هسته‌ای بحث می‌کنند، آمریکا و جمهوری اسلامی دوبعدو، درباره مسئله هسته‌ای ایران بحث کنند. من به این گفت‌وگوها خوش بین نیستیم. چرا؟ چون تجربه‌های گذشته ما نشان می‌دهد که گفت‌وگو در منطق حضرات آمریکایی به این معنا نیست که بنشینیم تا به یک راه حل منطقی دست پیدا کنیم. منظورشان از گفت‌وگو این نیست، منظورشان از گفت‌وگو این است که بنشینیم حرف بزنیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است. باید نظر طرف مقابل قبول شود. لذا ما همیشه اعلام کرده‌ایم و گفته‌ایم که این گفت‌وگو نیست، این تحمیل است و ایران زیر بار تحمیل نمی‌رود. من به این اظهارات

برادران و خواهران، مباحله راهبردی است که قرآن به ما می‌دهد که مذاکره با کفار بی‌نتیجه است. این برای ما راهبرد قرآنی است. آن‌هایی که امید دارند با دشمنان خدا مذاکره کنیم تا مشکلاتمان حل شود، بدانند مذاکره با این‌ها مشکلات را اضافه می‌کند و کم نمی‌کند. مباحله راهبرد قرآنی است. رهبر معظم انقلاب از همان ابتدا با این مذاکره برجام مخالف بودند. مکرر فرمودند اطمینانی به این استکبار جهانی، به این آمریکا و اروپا نیست. ما اطمینانی به این‌ها نداریم.<sup>۱</sup> این رهبر، حجت امام زمان(عج) است. این هم راهبرد قرآنی است که می‌گوید آخر مذاکره با کفار، قصه مباحله است.

البته فایده مذاکره این بود که حق روشن شد که این‌ها پا روی حق می‌گذارند و زیر بار حق نمی‌روند. دولت وقت اصرار داشت که این کار صورت بگیرد. رهبر معظم انقلاب موافقت کردند و فرمودند به صورت نرمش قهرمانانه بروید.<sup>۲</sup> بنا شد نرمش قهرمانانه باشد؛ ولی برادران، خواهران، متأسفانه این برجام برای ما نرمش ذیلانه شد. قرار بود با برجام تمام

## دشمن به کمتر از نابودی ما راضی نمی‌شود

نبود که مثل بقیه تسلیم می‌شد. نشستند برجام به این فاسدی را خلاف نظر رهبر معظم انقلاب امضا کردند. رهبر تأکید کرده بودند: «بنشینید بررسی کنید. اگر می‌خواهید امضا کنید، همه عیوبش را بسنجید.» در یک نشست و برخواست سرش را به هم آوردند و امضا کردند رفت. حالا هم به این مصیبت گرفتار شده‌ایم؛ بعد هم با کمال وقاحت، رئیس جمهور آمریکا، آمد کل قرارداد را به هم زد، امضا کرد و امضایش را هم به خبرنگارها نشان داد. خب با این‌ها می‌خواهیم بنشینیم مذاکره کنیم؟ با این‌ها می‌خواهیم حرف بزنیم؟

سیاه بنشانند و دست‌بردار هم نیستند. دشمن وقتی ابزارش نتیجه داد، دیگر از آن دست بر نمی‌دارد؛ چون آن چیزی که در نقشه آمریکا و اروپا و کفر جهانی هست، نابودی ماست. به کمتر از نابودی ما راضی نمی‌شوند.

وقتی بنده می‌گویم یک عزیز انقلابی تحصیل کرده درس خوانده سیاست‌دان و متدین و الحمدلله نماز شب‌خوان در رأس تیم مذاکره قرار گرفته است که در هیچ‌یک از این جلسات حاضر نشد تسلیم دشمن بشود و عقب‌نشینی بکند، می‌گویند: «چرا گفته‌ای نماز شب‌خوان؟! برادر من، ایشان اگر متدین



باز هم عده‌ای می‌گویند: «بروید سر میز مذاکره بنشینید و با این‌ها حرف بزنید.» شما فکر کرده‌اید این‌ها عمل می‌کنند؟ این‌ها می‌نشینند چند جلسه و آخر هم روی همان حرف‌های خودشان می‌ایستند. نه تحریم لغو می‌کنند، نه پول‌های ما را می‌دهند، نه از مشکلاتی که ایجاد کرده‌اند، دست برمی‌دارند. این‌ها می‌خواهند ما را به خاک



نماز اول

وقت می ریم



سایت مرکز رسیدگی به امور  
مساجد استان های خراسان  
Masjedkh.ir



مرکز رسیدگی به امور مساجد  
استان های خراسان



سایت آیت الله علم الهدی  
Alamolhoda.com